

## فرآیندهای مکانی - فضایی در گونه‌شناسی مسکن روستایی مورد مطالعه: (استان چهارمحال و بختیاری؛ دهستان کیار غربی)

سید رامین غفاری\*، آسیه میری

دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی - دانشگاه پیام نور

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام‌نور

دریافت: ۹۵/۳/۱۵ پذیرش: ۹۶/۸/۱۵

### Spatial-Locational Processes in the Typology of Rural Housing Case study: (Chaharmahal va Bakhtiari province, West Kayar rural district)

Seyed Ramin Ghafari\*, Asiyeh Miri Kharaji

Associate Prof, Geography and Rural Planning, Payamenoor University

M.A. Student Rural Planning, Payamenoor University

Received: (15/June/2017)

Accepted: (6/Nov/2017)

#### Abstract

Like other biosystems, rural settlements are subject to varying dynamism and transformations due to their spatial positions and locations. They are affected by their spatial-locational positions and have always undergone changes over time. But the question is whether this transformation has been commensurate with the needs of the rural community? In the present study, not only the changes in the pattern and performance of rural houses are considered, but also it analyzes the role of spatial-locational factors affecting the typology of rural housing. Attention is also paid to the extent and scope of such structural changes in accordance with today's circumstances. Since the current study is based on a futuristic approach, it is considered as a development-oriented research in order to emerge a new thought. Both documentary and field methods were applied to collect required data and information. For the first, relevant books, articles, reports, documents, annual reports and other sources of information were reviewed, and for the second, 10 villages of a rural district namely western Kayar were selected as samples in Chaharmahal-o-Bakhtiari province. After completing the questionnaire, the data were processed using SPSS software. Findings of the present study suggest that: from a spatial-locational viewpoint, socio-cultural and economic components have more influence on the type of rural housing than the natural-ecological components. It also was confirmed that spatial processes have different effects on different places. The results show that, due to the profound functional transformations in rural houses in the study area, the adaptation to the natural environment has largely been replaced by adaptation to urban plans. Therefore, there is a need to introduce a proper spatial-locational pattern to be in accordance with environmental characteristics and cultural features of the region. Such a pattern can deal with the heterogeneities and abnormalities that overwhelm the texture and pattern of the villages.

**Key words:** process, spatial-locational, rural housing, typology, Kayar-e-Gharbi rural district.

\*Corresponding Author: Seyed Ramin Ghafari  
E-mail: sr\_ghafari@pau.ac.ir

#### چکیده

سکونتگاه‌های روستایی همچون دیگر نظام‌های زیستی با توجه به موقعیت فضایی و نحوه و محل استقرار خود، به صورت مختلف در معرض پویایی و دگرگونی مداوم قرار دارند و متأثر از موقعیت و جایگاه مکانی - فضایی خود در گذر زمان همواره دستخوش تحولات شده‌اند، اما پرسش اینجاست که آیا این دگرگونی متناسب با مقتضیات جامعه روستایی بوده است؟ در این پژوهش تنها تغییر الگو و تحول عملکردی خانه‌های روستایی مورد بررسی قرار نمی‌گیرد، بلکه هدف، تحلیل نقش عوامل مکانی - فضایی بر گونه‌شناسی مسکن روستایی و نیز چگونگی و دامنه این تغییر و تحولات ساختاری در همسویی با مناسبات امروز است به گونه‌ای که نقش و اهمیت آن در روند زندگی و فعالیت روستایی دچار خدشه نشود. از آنجا که این تحقیق با رویکرد به آینده، به منظور پیدایش اندیشه - ای تازه انجام می‌شود، در زمره تحقیقات توسعه محور و کاربردی قرار می‌گیرد. در این پژوهش با استفاده از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی، داده‌های آماری و اطلاعات لازم جمع‌آوری شده است. در روش میدانی نیز ۱۰ روستای دهستان کیار غربی از توابع استان چهارمحال و بختیاری مورد مطالعه قرار گرفته است. پس از تکمیل پرسشنامه اطلاعات به دست آمده با استفاده از نرم‌افزار SPSS، داده - پردازش شده‌اند. یافته‌ها نیز حاکی از آن است که از میان پارامترهای مکانی - فضایی، مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی بیش از مؤلفه‌های طبیعی - اکولوژیکی بر گونه مسکن روستایی در منطقه مورد مطالعه تأثیر داشته‌اند. همچنین، تغییر تأثیرگذاری فرآیندهای فضایی بر موقعیت‌های مکانی متفاوت مورد تأیید است. نتایج حاصل نشان می‌دهد با توجه به تحولات کارکردی عمیق در خانه‌های روستایی منطقه مورد مطالعه، انطباق با محیط طبیعی از بین رفته و مسکنی با طرح و نقشه‌های شهری بروز یافته است. بنابراین، باید با ارائه الگوی مکانی - فضایی که مطابق با محیط و فرهنگ مردم این منطقه است برای مقابله با ناهمگونی‌ها و ناهنجاری‌هایی که بافت و الگوی روستا را بر هم می‌زند اقدام کرد.

**واژه‌های کلیدی:** فرآیند، مکانی - فضایی، مسکن روستایی، گونه شناسی، دهستان کیار غربی.

\* نویسنده مسئول: سیدرامین غفاری

## مقدمه

سکونتگاه‌های روستایی، در عمل، یک نظام یکپارچه اجتماعی - اقتصادی را به نمایش می‌گذارند. این نظام با اتکا بر دو بستر محیطی و اجتماعی - اقتصادی، دارای خصوصیتی نظام‌مند است که براساس جایگاه و نقش انسان در ایجاد فضا، دارای بعد قوی مکانی - فضایی است (سرتیپی پور، ۱۳۸۹: ۲۰). مسکن روستایی به‌رغم سادگی طرح و اجرای آن، دارای رموز بسیار پیچیده‌ای است که تاریخ چند هزار ساله‌ای را در پی دارد و روستاییان به مرور زمان و براساس شیوه زندگی‌شان، فهمیده‌اند که چگونه مسکنی می‌تواند نیازهای اولیه زندگی آنها را برآورده ساخته و به همین دلیل مسکن خود را به گونه‌ای ساخته‌اند که آن نیازها را برطرف سازد (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰: ۱۰). اما زندگی روستایی در ایران با سابقه چند هزار ساله، در دهه‌های اخیر دچار دگرگونی‌هایی شده است که تجلی این دگرگونی‌ها را می‌توان در شکل سکونتگاه و مسکن روستایی مشاهده کرد (عمران روستایی، ۱۳۷۱: ۱۱ و زندیه و حصار، ۱۳۹۱: ۶۳).

به طور قطع سکونتگاه‌های روستایی نیز مانند هر پدیده دیگر، خواه‌ناخواه در معرض تحول و دگرگونی‌اند (حسینی - حاصل، ۱۳۸۹: ۲۲۳) و این گونه دگرگونی‌ها می‌تواند رمز توسعه آنها برای آینده باشد (میرریاحی، ۱۳۹۰: ۱۰۵)، اما همان طور که مشاهده می‌شود، همه روستاها به طور همسان و همگن از تغییرات برخوردار نشده‌اند و هر یک متناسب با امکانات درونی و توان خود تغییراتی را پذیرفته‌اند (همان: ۲۲۴). البته این گونه تغییرات در بسترهای زمانی - مکانی تحقق می‌پذیرند؛ از این رو، نظام‌های روستایی سرشتی مکانی - فضایی دارند (سرتیپی پور، ۱۳۹۰: ۲۰).

عوامل مکانی - فضایی گوناگونی در نحوه ساخت مسکن روستایی دخالت دارند (سعیدی و حسینی - حاصل، ۱۳۸۸: ۸۳). کالبد روستا تحت تأثیر عوامل گوناگون جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است و هیچ کدام از این عوامل به طور مستقل عمل نکرده و در رابطه تأثیر و تأثر متقابل نسبت به یکدیگر قرار دارند (زرگر، ۱۳۹۰: ۳۱).

آنچه امروز اهمیتی روز افزون می‌یابد، این واقعیت است که جوامع روستایی در حال پیچیده‌تر شدن هستند. بنابراین، افراد و گروه‌های انسانی در این چارچوب مبتنی

بر مکان - فضا، نه تنها محیط را دگرگون می‌سازند، بلکه با فعالیت‌ها و مناسبات خود، فضاهایی تولید می‌کنند که می‌تواند رو به توسعه داشته یا در گریز از آن باشد. شناخت این مفاهیم و به‌کارگیری آنها در هرگونه تصمیم‌سازی و اقدام فضایی، بستری مناسب و درخور فراهم می‌آورد که دستیابی به اهداف تعالی شأن انسانی را بسترسازی می‌کند (سعیدی، ۱۳۸۹: ۴).

شناخت واقعی مسکن روستایی در گرو شناخت زندگی روستاییان در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی و معیشتی است که در مطالعات فضایی - کالبدی مورد توجه قرار می‌گیرد (اکرمی، ۱۳۸۹: ۱۴).

در این پژوهش تنها تغییر الگو و تحول عملکردی خانه‌های روستایی مطرح نظر نیست، بلکه هدف تحلیل نقش عوامل مکانی - فضایی بر گونه‌شناسی مسکن روستایی و نیز چگونگی و دامنه این تغییر و تحولات ساختاری در همسویی با مناسبات امروز است. به گونه‌ای که نقش و اهمیت آن در روند زندگی و فعالیت روستایی دچار خدشه نشود. تحول و دگرگونی گونه‌های معماری و سازه‌های مسکن روستایی با گذشت زمان و به واسطه تأثیر پذیری از فرآیندهای مکانی - فضایی، همچون دیگر عناصر ساختاری موجود در بافت روستا، امری اجتناب‌ناپذیر است اما توسعه، تغییرات دامنه - داری پدید آورده که موجب شده است اشکال و مواد ساختمانی جدید و متنوع غیر بومی جایگزین اشکال و مواد سنتی شود و این روند در جهان سوم به ناهماهنگی‌های موجود در عرصه روستا افزوده و به صورت پدیده‌ای بیگانه با محیط بومی جلوه‌گر شده است (سعیدی، ۱۳۸۱: ۸۷).

پیشرفت‌های روزافزون فناوری و گسترش آن در تمامی نقاط جهان، خواه ناخواه، شیوه‌های زندگی افراد را تحت تأثیر قرار داده و موجب تغییراتی در الگوی مسکن روستایی نیز شده است. با توجه به مسائل فوق می‌توان فرض نمود که الگوهای مسکن روستایی سنتی به‌رغم سازگاری‌های محیطی، اقلیمی، معیشتی، فرهنگی، اعتقادی، اجتماعی و غیره اینک نیاز به تغییرات اساسی متناسب با وضعیت جدید دارد.

البته تغییر و تحول تدریجی در گونه‌های مسکونی امری ضروری، اجتناب‌ناپذیر و مطلوب است ولی در حال حاضر، سیما و ساختار کالبدی روستاهای ایران روز به روز و

جغرافی‌دانان قرار گرفته است. از آنجا که تغییرات اجتماعی در بستر مکان، اما در گذر زمان شکل می‌گیرد، در بررسی‌های جغرافیایی نه تنها مکان و فضا، بلکه زمان نیز از اهمیتی ویژه برخوردار است (سعیدی، ۱۳۸۸: ۴).

از سوی دیگر فرایند فضایی<sup>۱</sup>، که رکنی اساسی در پژوهش پیش روست، سازوکاری است که ساخت فضایی توزیع یک یا چند پدیده را به وجود می‌آورد. هر فرایند فضایی، بیشتر حاصل تصمیمات انسانی است. در هر فرایند فضایی، یک نوع (رابطه علت و معلول) قابل بررسی است. تصمیم‌گیری در مورد یک اسلوب فضایی، سبب به وجود آمدن تحرک در فضا و، همچنین، تغییر در طول زمان است. ترکیب این دو امر در واقع، فرایند فضایی را تشکیل می‌دهد. از سوی دیگر، فضای جغرافیایی<sup>۲</sup> اصطلاح عامی است که مبین موضوع اصلی علم جغرافیای نوین است و ماهیتاً معنایی وسیع‌تر از ادراک عام غیرجغرافی‌دانان دارد.

اگرچه فضای جغرافیایی کلیتی یکپارچه است، اما در نگاه نظام‌مند دو وجه اصلی و ظاهراً مجزا (به مثابه دو خرده نظام) دارد؛ وجه محیطی-اکولوژیک و وجه اجتماعی-اقتصادی. بدینسان، این دو وجه فضای جغرافیایی دو روی چهره و ماهیت یک «فضای یکپارچه» عینی را نمایندگی می‌کنند (سعیدی، ۱۳۹۱: ۱۳).

فضا<sup>۳</sup> از طریق معرفت‌شناسی و درک ذهنی دامنه و مرزهای واحد مکانی و به واسطه تبیین عرصه‌های خاص کنش-واکنش انسانی، یعنی توان واکنش گروه‌های اجتماعی در مکان، تشخیص داده می‌شود. ویژگی‌های این واکنش در عمل شکل‌دهنده و، در عین حال، بیانگر کارکردهای بنیادی آن اجتماع در واحد مکانی موردنظر است (سعیدی و حسینی حاصل، ۱۳۸۸: ۲۷۱). همچنین، فرهنگ لغات انگلیسی آکسفورد دست‌کم ۱۹ معنی برای این واژه می‌آورد که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: «گستره‌ای پیوسته که در آن اشیاء وجود دارند و حرکت می‌کند» یا «مقداری از یک منطقه که چیز خاصی آن را اشغال می‌کند یا برای هدف خاصی در اختیار

بیش از پیش مخدوش می‌شوند. بدیهی است ادامه این روند روستاهای ما را نیز به دنبال شهرها از هویت و سیمای اصیل خود دور خواهد کرد و آنچه می‌ماند شالوده‌های ناهمخوان با بستر فرهنگی-اجتماعی و منطقه‌ای است (زندیه و حصاری، ۱۳۹۱: ۶۵). سرعت نفوذ و گسترش شیوه‌های جدیدتر زندگی و الگوپذیری از زندگی شهری در اغلب روستاها، ممکن است شکل و کالبد مسکن روستایی را دچار تغییر و تحول نامتناسب و غیراصولی کند و الگوهای کم ارزش مسکن شهری در روستاها رواج یابد و مشکلات آنها را خصوصاً از لحاظ بافت روستا دو چندان نماید (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰: ۱۳).

همچنین اقدامات نسنجیده و غیرعلمی نیز می‌تواند هویت کالبدی روستاها را از بین ببرد. بنابراین، بسیار ضروری است که با بررسی نقش عوامل مکانی-فضایی در گونه‌شناسی مسکن روستایی، انجام دادن مطالعات دقیق، علمی و شناخت کافی از گونه‌های سنتی مسکن روستایی، از تمامی مسائل و نیازهای فعلی زندگی روستایی بتوان به الگوهای متناسب با ساختارها و کارکردهای جدید و آتی دست یافت به طوری که هم مورد پذیرش روستاییان واقع شود و هم اجرای وظایف نهادهای متولی روستاها نظیر بنیاد مسکن را تسهیل کند.

بر همین اساس شناخت و شفاف‌سازی میزان تأثیرگذاری و نقش هر یک از فرآیندهای مکانی-فضایی در این تحول ساختاری و، به تبع کارکردی، گامی اساسی در فرآیند برنامه‌ریزی بهینه و متناسب مسکن روستایی است، امری که جز توجه تعدادی نهادهای تأثیرگذار از جمله بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در چند سال اخیر بدان، از پیشینه و رویکرد غالبی در کشور ما برخوردار نبوده است. مروری بر ادبیات، مبانی نظری و ترمینولوژی تحقیق نشان می‌دهد که به طور کلی از تأثیر روابط متقابل دو «محیط طبیعی» و «محیط فرهنگی» و از برخورد نیروهای تعیین‌کننده در آنها، فضای خاصی فراهم می‌آید که معرف «عینیتی جغرافیایی» یا «واقعیتی مکانی-فضایی» است. از آنجا که فضای به وجود آمده خود متشکل از اجزایی مرتبط به هم است، می‌توان آن را یک نظام به شمار آورد. امروزه این مجموعه محیطی-انسانی که عملاً یک نظام مکانی-فضایی پیوسته در حال تغییر است، مورد بررسی و توجه

1.patial process  
2. Geographical Space  
3. Space

گرفته شده است» (پورجعفرو دیگران، ۱۳۸۷: ۶).

از سوی دیگر، رویکرد مکانی- فضایی نوعی رویکرد در مطالعات جغرافیایی است که مطابق آن تنوع مکانی- فضایی پدیده‌ها بررسی می‌شود و طی آن، عوامل مؤثر یا عوامل کنترل‌کننده الگوهای پراکنش مورد مطالعه قرار می‌گیرند. در همین چارچوب الگوهای فضایی به عناصر ساده‌ای تفکیک و تجزیه می‌شوند تا بتوان آنها را به صورت مفرد مورد بررسی و سنجش قرار داد. این روش مقایسه دو یا چند الگو، مثلاً الگوی فضایی یک پدیده معین در نواحی متفاوت یا الگوی فضایی چند پدیده یا متغیر مختلف موجود در یک ناحیه را امکان‌پذیر می‌سازد (سعیدی و حسینی حاصل، ۱۳۸۸: ۲۱).

بر اساس رویکرد مکانی- فضایی، سازمان فضایی همچون هر شکل سازمانی دیگر تشکیلاتی است متشکل از اجزای مرتبط اجزای سازمان فضایی چنان که کریستالر (۱۹۳۳) اشاره دارد سکونتگاه‌های انسانی کوچک و بزرگی هستند که در یک عرصه معین پراکنده شده‌اند. در این رهیافت تعریف فضای مکان و فضایی که به صورت مکان درک می‌شود، کمک مؤثری بر وضوح این رویکرد دارد به طوری که می‌توان گفت که مکان به روندی که در آن فضاها به نوعی انتظام می‌یابد که توان‌های نهفته و اثرگذار در آن متجلی می‌شوند، اطلاق می‌شود (Thrift, 2009:104). بنابراین، می‌توان گفت که ریخت‌شناسی سکونتگاه‌های روستایی، در واقع، حاصل فرآیندی تاریخی از تأثیرپذیری و تأثیرگذاری مجموعه عوامل و عناصر مکانی- فضایی - اعم از طبیعی اکولوژیکی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره- بر یکدیگر است (غفاری، ۱۳۸۸: ۳۵). هرچند در شکل‌گیری و تحول سکونتگاه‌های روستایی، مجموعه عوامل و نیروهای متفاوت و متنوعی نقش‌آفرین هستند اما میزان تأثیرگذاری هر یک از آنها در عرصه‌های مختلف سرزمین، یکسان و یکنواخت نبوده است (جهانی ثانی، ۱۳۸۹: ۲۰۸).

اجتماعات و جماعت‌های انسانی و ویژگی‌های متفاوت بسترهای محیطی آنها در عمل مجموعه‌های یکپارچه و پویایی به شمار می‌روند که بر اساس کنش متقابل عوامل و نیروهای گوناگون تحت تأثیر قرار گرفته و در گذر زمان تغییر و تحول می‌پذیرند. این مجموعه‌های یکپارچه و پویا بر دو بستر اصلی حرکت می‌کند: بستر محیطی- بوم‌شناختی و

بستر اجتماعی- اقتصادی. به واسطه تعامل این دو بستر، فضای ویژه‌ای پدیدار می‌گردد که می‌توان آن را عینیتی مکانی- فضایی به شمار آورد. از آنجا که این عینیت مکانی- فضایی متشکل از اجزایی مرتبط است و اهداف معینی را تعقیب می‌کند، می‌توان آن را یک نظام به حساب آورد. به این ترتیب، خصوصیت بارز این نظام، ویژگی‌های مکانی- فضایی آن است. بنابراین، می‌توان آن را یک نظام مکانی- فضایی یا، به عبارت ساده‌تر، یک نظام فضایی به شمار آورد. در همین چارچوب، دگرگونی یا تحول نظام‌های فضایی بر بستر مکان، اما در گذر زمان تحقق می‌پذیرند. بنابراین، بررسی نظام‌های فضایی نه تنها در ظرف مکان، بلکه ضمناً و به نحو توأم، در ظرف زمان نیز مورد تأیید اساسی قرار دارد (سعیدی و حسینی حاصل، ۱۳۸۸: ۳۰۸). بنیاد مسکن همچنین در مقدمه کتاب *شیوه‌های سکونت‌گزینی و گونه‌های مسکن روستایی* (۱۳۷۵) آورده است که «نقش و تأثیرگذاری عوامل گوناگون محیط طبیعی و محیط مصنوع در ارتباط با نوع روابط حاکم و نیز سطح و نحوه بهره‌برداری از منابع طبیعی و با توجه به پویایی جوامع روستایی در گذر زمان قوت یا ضعف می‌پذیرد؛ به طوری که عاملی که در شرایط مکانی مشابه در یک‌زمان به‌عنوان عامل تعیین‌کننده مطرح است، ممکن است در زمانی دیگر عاملی فرعی به شمار آید و بالعکس. بنابراین در بررسی‌های مربوط به سکونتگاه‌های روستایی به‌طور کلی آنچه باید ملحوظ باشد عبارت است از پدیده‌های فرهنگی- اجتماعی، روندهای اقتصادی و همراهی و هم‌آوایی شرایط محیطی- اکولوژیکی روستایی. اما در کشور ما پیشینه این مطالعات به اوایل دهه ۶۰ شمسی و زمانی برمی‌گردد که تقریباً ۶۵ درصد جمعیت کشور را روستاییان تشکیل می‌دادند» (جهانی ثانی، ۱۳۸۹: ۲۰۶).

گونه‌شناسی مسکن روستایی<sup>۴</sup> که از جمله متغیرهای مورد بررسی در این تحقیق است شناخت کافی از وضع موجود و گونه‌های متفاوت و متنوع مسکونی روستایی را شامل می‌شود. مسکن روستایی خود یکی از عناصر مهم در فضاها روستایی محسوب می‌شود که به عنوان نمادی از چگونگی تعامل و ارتباط انسان با محیط طبیعی پیرامون خویش در طی سالیان متمادی برحسب وضعیت

پیچیده انسان و محیط می‌داند. کریستیان برومیروزه نیز در کتاب *مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان*، به بررسی مسکن و معماری مسکن گیلان می‌پردازد و اشاره می‌کند که ساختن مسکن در این منطقه باید پاسخگوی مجموعه‌ای از ضرورت‌ها باشد که شرایط زیست بومی بسیار نامطلوب منطقه تحمیل می‌کند. علاوه بر این خانم لفور، روستاشناس بلژیکی، خانه‌های روستایی را از نظر ساختمان، سیما، نقشه و معماری و رابطه آنها با تأثیر محیط بررسی کرده است. بنسکی و وسلوسکا (۲۰۱۰) نیز معتقدند که فرآیند تغییر و تحول اقتصادی، تفاوت‌های فضایی را با توجه به نوع ساخت‌وساز خانه‌ای جدید که در حال رخ دادن در مناطق روستایی است، بزرگ کرده است. شدت انجام ساخت‌وساز جدید، بسیار تابع اندازه مرکز شهر مجاور و فاصله مناطق از آن است. ساخت‌وسازهای جدید بیشتر نزدیک شریان‌های حمل‌ونقلی متمرکز می‌شوند که در آنها کمربندی از فعالیت‌های اقتصادی رشد یافته پیدا می‌شود (بنسکی و وسلوسکا، ۲۰۱۰: ۱۱۶).

در ایران مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن به این مهم پرداخته و حاصل کار آن، ارائه و چاپ کتاب‌هایی با عنوان: *مسکن روستایی استان خوزستان (۱۳۶۱)*، گونه‌شناسی مسکن روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد (۱۳۶۳)، *گونه‌شناسی استان چهارمحال و بختیاری (۱۳۶۳)*، *گونه‌شناسی مسکن روستایی استان خوزستان (۱۳۶۵)* و *گونه‌شناسی مسکن روستایی استان ایلام (۱۳۶۷)* بوده است. اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ شمسی انجام کارهای گونه‌شناسی مسکن روستایی توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی پیگیری شد و یکی از اولین آنها مسکن روستایی استان خراسان بود که نتایج آن در کتابی با عنوان *الگوی مسکن روستایی، پژوهشی در معماری روستایی استان خراسان*، به سال ۱۳۷۱ به چاپ رسید. با اجرایی شدن طرح ویژه بهسازی مسکن روستایی، از سال ۱۳۸۴، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و شعب استانی آن با به‌کارگیری مشاوران محلی، اقدام به طراحی برخی گونه‌های مسکن روستایی در تعداد زیادی از روستاها نمودند تا بتواند راهنمایی برای دفاتر طراحی مسکن روستایی در استان‌های کشور باشد. این امر در برخی استان‌ها توسط مشاور مادر انجام شد که دستاوردهای

زمانی- مکانی در هر منطقه شکل گرفته و به گونه‌های نشان‌دهنده نوع فعالیت‌ها در ابعاد اقتصادی و نگرش اجتماعی- فرهنگی روستاییان و چگونگی تحول و استفاده از فناوری و نهایتاً سطح درآمد و معیشت ساکنان آن است (شمس‌الدینی، ۱۳۸۷: ۴۴).

در دومین اجلاس اسکان بشر (۱۹۹۶) در استانبول این موضوع مطرح شد که مسکن مناسب<sup>۵</sup> تنها به معنای وجود یک سقف بالای سر هر شخص نیست، سرپناه مناسب یعنی آسایش مناسب، فضای مناسب، دسترسی فیزیکی و امنیت مناسب، امنیت مالکیت پایداری و دوام سازه‌ای، روشنایی، تهویه و سیستم گرمایی مناسب، زیرساخت‌های اولیه مناسب از قبیل آب‌رسانی، بهداشت و آموزش، دفع زباله، کیفیت مناسب زیست‌محیطی، عوامل بهداشتی مناسب امکان مناسب و قابل دسترسی از نظر کار و تسهیلات اولیه که همه این موارد باید با توجه به استطاعت مردم تأمین شود (دلایل پورمحمدی، ۱۳۷۹: ۳).

توجه به مفهوم اجتماعی- فرهنگی، تاریخی و سیاسی مسکن و گریز از نگرش تک‌بعدی، منظر دیگری را در بررسی مفهوم مسکن مطرح می‌سازد که همانا ماهیت فضایی مسکن است. مفهوم فضایی مسکن<sup>۶</sup> مفهومی فراتر از مکان است و آن را می‌توان چنین بیان کرد:

مسکن، فضایی است که با در نظر گرفتن ارتباطات اجتماعی مردم در زمینه همبستگی‌ها، علاقه‌ها، سلیقه‌ها و منافع و تضادها آنها را در مقابل یکدیگر قرار می‌دهد. بدین ترتیب فضایی مطرح می‌گردد که بالاجبار به صورت منجمد قابل لمس نیست و حد آن در رابطه و به نسبت رشد و سلطه فکری و اجتماعی انسان متغیر است. در این زمینه می‌توان گفت که معنی و بعد مسکن، از یک سو، به خصوصیات فردی مربوط می‌گردد و، از سوی دیگر، تابع مجموعه روابطی است که بر طبق آن مردم در یک محله یا یک شهر با هم تماس‌هایی برقرار می‌کنند.

مطالعات انجام شده در پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که ریتز در بررسی روستاشناسی خود به گونه‌شناسی خانه‌های روستایی توجه کرده است و آن را نتیجه روابط

5. Affordable Housing

6. The Concept of Housing Space

طرح‌های گونه‌شناسی قبلی را نیز با خود به همراه داشت. سعیدی در مقاله خود با عنوان «فضا و انواع آن» (سعیدی، ۱۳۸۹:۳۳۶) در فصلنامه علمی- پژوهشی مسکن و محیط روستا، آورده است که «مسکن یا بافت روستایی به‌طور طبیعی تجلی گاه مناسبات اجتماعی- اقتصادی و شیوه زیستی- معیشتی گروه‌های روستایی در یک بستر معین مکانی- فضایی به شمار می‌روند. بدین‌سان، الگو و کارکردهای آنها یا هر جزء دیگر، باید در پیوند با عرصه مکانی- فضایی روستا، به مثابه درپچه‌ای به شناخت چشم‌انداز و روندهای حاکم بر زندگی و فعالیت روستا و روستایی موردتوجه قرار گیرد».

غفاری (۱۳۸۸) در مقدمه کتاب مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی و طراحی کالبدی سکونتگاه‌های روستایی آورده است که «کالبد روستا مفهومی انتزاعی و مجرد نیست، بلکه تعامل پیوسته مداومی با دیگر ابعاد حیاتی روستا دارد. بدین معنا که هرگونه دگرگونی و مداخله در کالبد روستا علاوه بر آنکه در نگاه نخست، کم و کیف کالبد را متحول می‌کند، دیگر جنبه‌های حیات روستایی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد». همچنین آورده است که «مسکن به‌عنوان مأمن و سرپناه آدمی از دیرباز مورد توجه انسان بوده و هست، هرچند که در یک فرآیند تاریخی چند هزارساله، همواره ریخت یا سیمای ظاهری و کارکردهای داخلی آن متأثر از مقتضیات مکانی- فضایی و شرایط اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی دستخوش تغییر و تحول بوده است» (غفاری، ۱۳۸۸: ۵۵).

مهدی طالب در کتاب شیوه‌های سکونت‌گزینی و گونه‌های مسکن روستایی به این نتیجه رسیده است که بافت درونی و بیرونی خانه‌های روستایی نمایانگر زمینه‌های طبیعی- اکولوژیک و روابط گوناگون اجتماعی-اقتصادی ساکنان و نشانگر ارتباطی ارگانیک میان شکل ظاهری، ساختار و کارکرد آنهاست (جهانی ثانی، ۱۳۸۹: ۲۰۷).

زرگر (۱۳۹۰) در کتاب درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران می‌نویسد که عوامل طبیعی در دشت‌های هموار جایی که خطر سیل وجود دارد تعیین‌کننده محل استقرار خانه‌هاست؛ زیرا انسان‌ها استقرار بر نقاط مرتفع‌تر را به رغم قرار گرفتن خانه‌ها در معرض بادهای سرد زمستانی، به خطرات ناشی از سیل ترجیح می‌دهند و

خانه‌های خود را روی ارتفاعات می‌سازند. روستای حدبه در جنوب ایران، مصداق خوبی در این زمینه است.

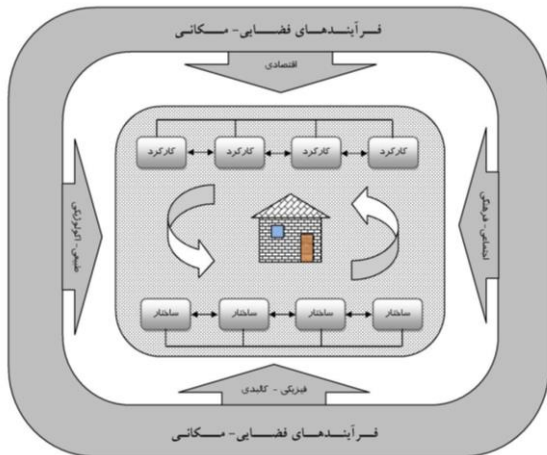
غلامحسین معاریان در کتاب آشنایی با معماری مسکونی ایران، به بررسی معماری مسکن شهرهای ماسوله و ایبانه پرداخته و اظهار می‌دارد که طبیعت عامل تعیین‌کننده معماری مسکن این دو ناحیه است؛ زیرا اغلب خانه‌ها روی سطوح شیب‌دار واقع شده‌اند و با توجه به محدودیت سطح، در ارتفاع گسترش یافته‌اند (همان: ۲۰۷).

زرگر (۱۳۹۰: ۳۱) معتقد است که «کالبد روستا تحت تأثیر عوامل گوناگون جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. هیچ‌کدام از این عوامل به‌طور مستقل عمل نکرده و در رابطه تأثیر و تأثر متقابل نسبت به یکدیگر قرار دارند. به عبارت دیگر، درحالی‌که روستا تحت تأثیر عوامل جغرافیایی و فرهنگی است، این دو عامل نیز بدون ارتباط با یکدیگر نبوده و روی هم تأثیر متقابل دارند. تذکر این نکته ضروری است که روستا در عالم واقع یک پدیده واحد است و نمی‌توان عوامل و اجزای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، زیست بومی و غیره آن را از یکدیگر جدا کرد».

شمس‌الدینی و همراهان (۱۳۹۰: ۵۷) در مقاله خود در خصوص روستاهای شهرستان ممسنی از استان فارس معتقد هستند که نوع معیشت عامل مهم و تأثیرگذاری بر بافت، کالبد و شکل منازل مسکونی روستایی این شهرستان است. بنیاد مسکن در کتاب گونه‌شناسی مسکن روستایی استان هرمزگان (۱۳۹۰: ۳۹) آورده است که «یکی از اصلی‌ترین عوامل تأثیرگذار بر مسکن روستایی از لحاظ طراحی، شکل‌گیری فضاها، ساخت و بهره‌برداری در سطح استان هرمزگان شرایط خاص آب‌وهوایی و اقلیم است».

پوردیهمی و دیگران (۱۳۹۲: ۱۶) در مقاله خود در خصوص هویت و مسکن، بررسی سازوکار تعامل هویت ساکنین و محیط مسکونی آورده‌اند که «محیط مسکونی در عملکرد هویت به‌عنوان خود گسترده، رابط انسان با محیط فیزیکی و محیط اجتماعی است. هویت ساکنان در محیط‌های مسکونی از طریق دو معیار موردبررسی قرار می‌گیرد. یکی قابلیت‌های محیط که تعاملات بالقوه موجود در محیط را از طریق وجوه کیفی و ابعاد کارآمدی فضا پدید می‌آورد، دومی تعاملات ساکنان نسبت به محیط است که از طریق هویت مکانی احساس مالکیت آنها را نسبت به

مکانی - فضایی (اقتصادی، اجتماعی، محیطی) چه تفاوتی بین گونه‌های سنتی و نوین مسکن روستایی وجود دارد؟  
- موقعیت‌های مکانی متفاوت چه نقشی در تحول فورم و گونه مسکن روستایی به لحاظ تأثیرپذیری از فرآیندهای مکانی - فضایی (اقتصادی، اجتماعی، محیطی) دارد؟



**شکل ۱.** مدل مفهومی پژوهش: فرآیندهای مکانی - فضایی و اجزای ساختاری مسکن روستایی

مأخذ: یافته‌های تحقیق

### داده‌ها و روش کار

این پژوهش با نگاه به آینده، به منظور پیدایش اندیشه‌ای تازه انجام می‌شود بر همین اساس در زمره تحقیقات توسعه محور و کاربردی قرار می‌گیرد. بنابراین با توجه به اینکه در طرح‌های گونه‌شناسی مسکن روستایی جمع‌آوری اطلاعات کامل و دقیق از وضع موجود ضروری است. در این ارتباط بخش اول کار به مرحله شناخت اختصاص یافته است (مشاهده منطقه مورد مطالعه، انجام مصاحبه و تکمیل پرسشنامه). در این پژوهش برای دستیابی به داده‌های پایه در این حوزه از مطالعات کتابخانه‌ای، مقالات و کتاب‌های مرتبط با الگوی مسکن و تغییرات آن استفاده شده است. با توجه به تعیین جامعه آماری (خانوارهای ساکن در مسکن واقع در ۱۰ روستای منطقه مورد مطالعه)، از نمونه‌گیری کوکران برای انتخاب خانوارهای روستایی (۳۰۶ خانوار) استفاده شده است. در مرحله تجزیه و تحلیل اطلاعات، مطالب به دست آمده با مشاهده و مصاحبه با آزمون‌های آماری ناپارامتریک من ویتنی، تی و پیرسون در نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل می‌شود. در روش توصیفی نیز برای تمامی

محیطشان به وجود می‌آورد. بنابراین، طراحی محیط‌های مسکونی باید در راستای این امر باشد که محیط کالبدی به گونه‌ای خلق شود که ساکنان، آن را نماد هویتی خود بدانند. بنابراین، مسئله طراحی نباید صرفاً در تأمین نیازهای فعلی ساکنان مدنظر قرار گیرد بلکه سطوح بالاتر نیازهای فعلی آنان را نیز باید در نظر داشت تا محیط مسکونی در فرآیند پویای هویت‌یابی در مراحل بالاتر نیازهای سلسله مراتبی بتواند بستری مناسب و با کیفیت مطلوب فراهم آورد».

علی‌الحسابی و کرانی (۱۳۹۲: ۲۳) نیز در مقاله خود با عنوان «عوامل تأثیرگذار بر تحول مسکن از گذشته تا آینده» معتقد هستند که «فرهنگ، روابط اجتماعی، اقتصاد، فناوری و سیاست عوامل مؤثر بر تحول مسکن و شکل‌گیری الگوی مسکن در هر دوره تاریخی هستند».

موحد و فتاحی (۱۳۹۲: ۳۷) در مقاله خود با عنوان «بررسی نقش اقلیم و محیط در شکل‌دهی فرم سازه مسکن روستایی استان فارس» بر این نکته تأکید کرده‌اند که روند تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و همچنین ورود فناوری ساخت مسکن در کشور در چند دهه اخیر، تغییرات عظیمی را در معماری مسکن روستایی ایجاد کرده است. همچنین نتایج پژوهش آنان مبتنی بر این است که واحدهای مسکونی روستایی در گونه‌های قدیمی روستاهای نمونه از پهنه‌های مختلف استان فارس، ضمن برخورداری از تعدادی مشابهت‌های ساختاری، دارای هویت خاص متناسب با خصوصیات اقلیمی و محیطی روستا می‌باشند.

با عنایت به آنچه گذشت و یافته‌های حاصل از پژوهش‌های پیشین، این تحقیق بر مبنای مدل مفهومی زیر (شکل ۱) بر آن است تا با رویکردی ساختاری - کارکردی و در یک ارزیابی چند عامله فرآیندهای مکانی - فضایی مؤثر در پیدایش فرم و گونه غالب مسکن روستایی را در قلمرو تحقیق (دهستان کیار غربی) شناسایی نماید تا بر اساس چنین شناختی علاوه بر اینکه بستر اطلاعاتی مناسبی جهت اشراف بر موضوع و مدیریت بهینه منابع و امکانات فراهم گردد، به پرسش‌های مطرحه پاسخ و پیشنهاداتی به منظور معرفی الگوی مطلوب و متناسب منطبق بر نیازها، برای مسکن روستایی ارائه دهد.

سؤالات این تحقیق عبارت‌اند از:

- به لحاظ تأثیرپذیری از عوامل و فرآیندهای

(ماهان و دیگران، ۱۳۸۹: ۶۳۸) اما با تحولات دهه‌های اخیر در ایران، به خصوص پس از تصویب و اجرای قانون اصلاحات ارضی ۱۳۴۱ تأثیر بسیاری در ساختار اجتماعی، اقتصادی و کالبدی روستاها داشت و باعث شد تا روستاها وابستگی روزافزونی به شهرها پیدا کنند.

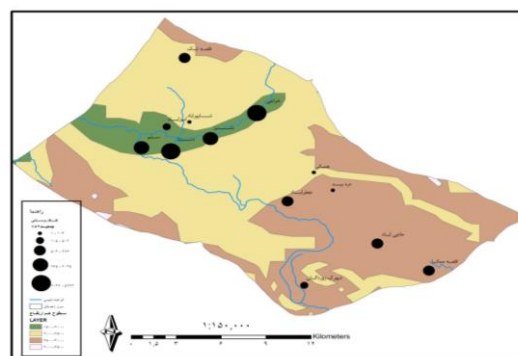
طرح‌های توسعه روستایی و هموار شدن دسترسی به شهر و خدمات شهری باعث شد تا الگوهای معماری مسکن شهری، مصالح و شیوه‌های ساخت و ساز جدید به مثابه یک ویروس، بافت روستا و مسکن روستایی را مبتلا به خود کرده و چهره روستاها را تغییر دهد (همان: ۶۳۹) ولی از آنجا که پذیرش پویایی و تغییر همیشگی برای جامعه انسانی موجب الزام به پذیرش تغییرات همیشگی و پویایی روستاست، با ظهور دوره مدرن مانند همه عرصه‌هایی که به هر شکل با انسان سروکار دارد، در حوزه روستا نیز تحولاتی اساسی به وقوع پیوست. روستاها به واسطه کارکرد اساسی خود که تأمین‌کننده بسیاری از نیازهای زیستی سکونت و اقتصادی جامعه روستایی هستند از خصیصه پویایی و تغییر دائمی برخوردارند و از آنجا که روستا و روستایی دیگر پاره‌ای دوره افتاده و ناآگاه از تحولات پیرامونش نیست، نیازهایش با گسترش نظام اطلاع‌رسانی و افزایش سطح زندگی و رفاه عمومی کشور ارتقا می‌یابد و خواست‌های جدید در آن شکل می‌گیرد. بر این اساس، جامعه به سرعت در حال تحول روستایی، مصادیق گوناگون بروز تغییرات در عرصه‌های مختلف و زمینه‌های متنوع زندگی اجتماعی و اقتصادی و در پی آن کالبدی و فضایی را نیز شاهد است (حناچی، ۱۳۹۰: ۴۳).

مجموعه مکانی- فضایی در گذر تحولات و رخداد‌های پیش آمده متأثر از نیروها و روندهای درونی و بیرونی حاکم بر عرصه‌های روستایی، دچار تغییرات و دگرگونی‌های اساسی در بافت و کالبد فضایی خود شده‌اند و برای آنکه بتوانند به حیات و رشد خود ادامه دهند نیازمند هماهنگ شدن با تحولات پیش آمده در دیگر عرصه‌های سکونت‌ی جامعه و به روز کردن شرایط زیست و محیط سکونتگاهی خود با تکنولوژی، شرایط اجتماعی- اقتصادی و محیط تغییر یافته پیرامون خود می‌باشند (شمس‌الدینی، ۱۳۸۷: ۴۲). به نظر می‌رسد تغییرات مذکور به سبب فقدان برخورداری از یک نظام برنامه‌ریزی جامع، گاه به گونه‌ای

سؤالات، پرسشنامه استفاده شد. همچنین تصاویر و پلان-هایی از مسکن روستایی در قلمرو تحقیق در راستای عینی- سازی بیشتر موضوع و روند تغییر آن در گذشت زمان به واسطه تأثیر فرآیندهای مکانی- فضایی تهیه می‌شود.

دهستان کیار غربی، واقع در شهرستان کیار در ۳۵ کیلومتری شهرکرد (مرکز استان چهارمحال و بختیاری) و در منطقه کوهستانی زاگرس قرار دارد. این شهرستان در مرکز استان واقع و از شمال با شهرستان‌های شهرکرد و فارس، از جنوب با شهرستان لردگان، از شرق با شهرستان بروجن و از غرب با شهرستان اردل همسایه است.

قلمرو مذکور بین طول جغرافیایی ۵۰ درجه و ۲۵ دقیقه تا ۵۱ درجه و ۸ دقیقه و عرض جغرافیایی ۳۱ درجه و ۳۸ دقیقه تا ۳۲ درجه و ۱۰ دقیقه قرار گرفته است. سکونتگاه‌های روستایی این منطقه به دلیل موقعیت مکانی خاص (قرار گرفتن در کنار جاده اصلی خوزستان) در سالیان گذشته همواره در معرض تحولات کالبدی- فضایی بوده‌اند به طوری که این موقعیت موجب شده است تا سکونتگاه‌های روستایی موجود به لحاظ ساختاری- کارکردی دائماً در معرض تحول قرار گیرند و آثار آن در عرصه‌های مکانی- فضایی آشکار گردد.

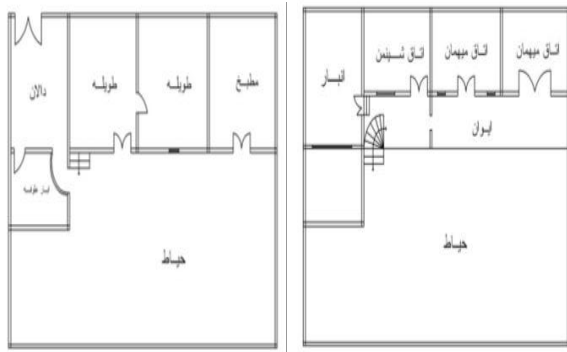


شکل ۲. پراکنش جغرافیایی، جمعیت و ارتفاع سکونتگاه‌های روستایی مورد مطالعه در قلمرو تحقیق

### شرح و تفسیر نتایج

مسکن سنتی روستایی متأثر از فعالیت‌های معیشتی- زیستی بوده و در هماهنگی کامل با محیط طبیعی و جغرافیایی مکان قرار داشته است. از طرفی نظام اجتماعی و مدیریتی حاکم بر روستاها در سازمان فضایی- کالبدی و اقتصاد مسکن روستایی تأثیر مستقیم داشته و باعث توسعه متوازن و مناسب مسکن روستایی شده و دغدغه تأمین مسکن به صورت امروز در گذشته وجود نداشته است



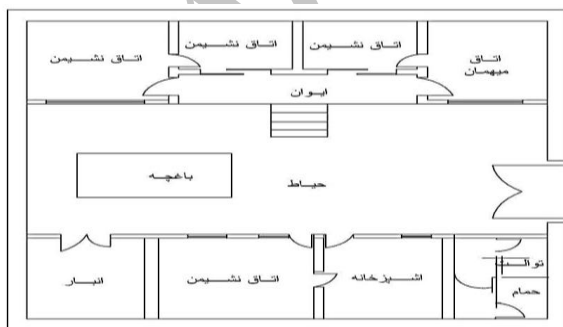


شکل ۴. پلانی از فضا بندی خانه روستایی سنتی

**۲. مسکن سنتی بادوام:** در این نوع مسکن بازسازی و تعمیر قسمت‌های اصلی مسکن مثل پشت بام‌ها، اتاق‌ها و غیره صورت گرفته است. همچنین در و پنجره‌ها تعویض شده و به سبک جدید تغییر پیدا کرده و در کل، این گونه محصول بهسازی، مرمت و نوسازی است.



شکل ۵. مسکن سنتی بادوام (خانه سنتی در حال گذار)



شکل ۶. پلانی از یک خانه سنتی در حال گذار

**۳. مسکن جدید:** این نوع مسکن اغلب به تقلید از سبک مسکن شهری و با مصالح جدید همچون آجر، آهن، گچ و سیمان و غیره ساخته شده است و از نظر استحکام و

اتفاقی در تناسب با مقتضیات مکانی- فضایی بوده و گاه متأثر از الگوهای وارداتی فاقد هویت و فارغ از هرگونه سنخیت با مقتضیات مکانی- فضایی شکل گرفته است (غفاری، ۱۳۹۰: ۱۵۵) الگوهای مسکن روستایی نیاز به تغییرات اساسی متناسب با شرایط روز دارد اما این تحول ممکن است چندان مناسب نباشد؛ در همین راستا بسیار ضروری است که با انجام مطالعات دقیق و علمی و شناخت کافی از تمامی مسائل و نیازهای فعلی زندگی روستایی و همچنین با شناخت کافی از الگوهای سنتی مسکن روستایی، بتوان به الگوهای جدید و متناسب دست یافت، به گونه‌ای که هم مورد پذیرش روستاییان واقع شود و هم انجام وظایف نهادهای متولی امور روستاها نظیر بنیاد مسکن را تسهیل نماید (امینیان و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۳). یافته‌های پژوهش در ناحیه مورد مطالعه حاکی از آن است که سه گونه مسکن روستایی قابل شناخت است:

**۱. مسکن سنتی قدیمی:** این مسکن اغلب کم دوام یا بی دوام بوده و قدمتی طولانی دارد و شامل کلیه مسکن‌هایی است که به صورت سنتی و بومی و با توجه به اقلیم طبیعی شکل گرفته‌اند.

تعداد این نوع مسکن در روستاهای نمونه، کم و از خشت، چوب و سنگ ساخته شده است. بیشتر در بافت سنتی مشاهده می‌شوند و خانوارهای کمی در آنها سکونت دارند. این نوع مسکن به دلیل اینکه به صورت افقی و چند طبقه روی هم قرار گرفته‌اند، تخریب و فرورفتگی‌های زیادی در آنها به چشم می‌خورد. با توجه به نوع مصالح به کار رفته و عمر زیاد، مقاومت آنها در برابر حوادث طبیعی کم است.



شکل ۳. نمایی از یک خانه روستایی سنتی

تعیین‌کننده و بنیادی نقش اساسی بازی کند، هر چند عوامل مختلف به صورت مجموعه‌ای مرتبط و در ارتباط متقابل با یکدیگر، هر یک سهمی بر عهده می‌گیرند. در این تحقیق نیز با توجه به نتایج حاصل از مطالعات میدانی و تحلیل‌های آماری در پرسشنامه‌های عمومی و اختصاصی خانوارهای روستایی در پاسخ به پرسش‌های مطروحه باید اذعان داشت که از میان پارامترهای مکانی-فضایی، مؤلفه‌های اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی بیش از مؤلفه‌های طبیعی-اکولوژیکی بر گونه‌های مسکن در منطقه مورد مطالعه (دهستان کیار غربی) تأثیر داشته است. از آنجا که همواره ریخت و کارکردهای داخلی مسکن روستایی متأثر از مقتضیات مکانی-فضایی دستخوش تغییر و تحول قرار می‌گیرد، می‌توان گفت که مسکن روستایی در این منطقه به عنوان یکی از تبلورهای فضایی، بیش از دیگر عوامل، تحت تأثیر مؤلفه‌های اجتماعی-فرهنگی قرار گرفته است. پس باید مسکن را بیش از هر چیز سازه‌ای اجتماعی، فرهنگی و نه صرفاً سازه‌ای از مواد و مصالح و چوب و سنگ دانست. همچنین با توجه به اینکه ادامه حیات مردم هر روستایی در گرو چرخش چرخ‌های اقتصادی روستا و تولید است، نتایج نشان می‌دهد که مؤلفه‌های اقتصادی نیز، بعد از مؤلفه‌های اجتماعی-فرهنگی، نقش تعیین‌کننده‌ای بر تحول گونه‌های مسکن روستایی در منطقه مورد مطالعه دارد. همچنین نتایج حاصل نشان می‌دهد که فرآیندهای فضایی تأثیرگذار در پیدایش فرم و گونه مسکن روستایی در موقعیت‌های مکانی متفاوت متحول می‌گردند. شواهد حاکی از آن است که سکونتگاه‌های روستایی با توجه به موقعیت فضایی و نحوه استقرار خود، به صورت مختلف تحت تأثیر دگرگونی‌ها بوده‌اند، به طوری که دوری روستاها از کانون‌های تمرکز جمعیت و مراکز شهری اثرپذیری کمتر و برعکس روستاهای واقع در حوزه نفوذ بلافصل شهرهای بزرگ با بیشترین دگرگونی کالبدی و نیز عملکردی همراه بوده‌اند؛ همچنین با توجه به توسعه ارتباطات و وسایل حمل و نقل، تغییر دامنه‌داری در کاربرد انواع مواد و مصالح ساختمانی پدید آمده و موجب شده است که اشکال جدید و متنوع مسکن غیربومی جایگزین اشکال و مواد سنتی و در نتیجه تغییر فرم و گونه‌های مسکن روستایی شوند.

- براساس نتایج به دست آمده و با توجه به تحولات کارکردی عمیق در خانه‌های روستایی منطقه مورد مطالعه،

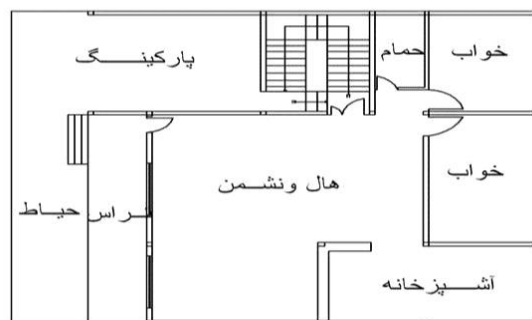
برخورداری از امکانات تسهیلات، در حد قابل قبولی قرار دارند. در مسکن روستایی واقع در قلمرو تحقیق تغییرات زیادی را می‌توان در سال‌های اخیر مشاهده کرد.

اکثر مسکن به سبک مسکن شهری تغییر، تعمیر یا بازسازی شده‌اند. در واقع، می‌توان گفت که مسکن سنتی قدیمی به تدریج جای خود را به مسکن جدید شبه شهری می‌دهند (طهماسبی، ۱۳۸۸: ۲۱۹).

در مسکن جدید دهستان، کارکردها و فرم‌های مسکن سنتی کاملاً دچار تغییر و تحول شده است و روزه روز تمایل روستاییان به ایجاد مسکن جدید به تقلید از مسکن شهری بیشتر می‌شود. در مسکن جدید به سبک شهری، وجود آشپزخانه اپن، هال، پذیرایی، سرویس بهداشتی و پارکینگ ماشین در داخل ساختمان، استفاده از شیشه‌های سکوریت و رفلکس، نمای سنگ و پله سنگی و غیره نمایان است.



شکل ۷. مسکن جدید روستایی (شهری شده)



شکل ۸. فضابندی خانه روستایی نوین (مسکن جدید)

### بحث و نتیجه‌گیری

عوامل مکانی-فضایی گوناگونی در نحوه ساخت مسکن روستایی دخالت دارند به طوری که یک خانه روستایی نشان-دهنده کنش‌های متقابل عوامل متعدد و رابطه پیچیده آنهاست. البته ممکن است عاملی به تنهایی و به عنوان عامل

پورجعفر، محمدرضا (بهار ۱۳۸۷). «بعد اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد پنهان در برنامه‌ریزی، طراحی و اجرای طرح‌های ساماندهی و احیای بافت‌های فرسوده». فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت شهری. شماره ۱۹.

پور دیهیمی، شهرام؛ مشایخ فریدنی، سعید؛ نورتقانی، عبدالمجید (بهار ۱۳۹۲). «هویت و مسکن، بررسی سازوکار تعامل هویت ساکنین و محیط مسکونی». فصلنامه تخصصی مسکن و محیط روستا (علمی-پژوهشی) بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. سال ۳۲، شماره ۱۴۱.

توکلی مرتضی و دیگران (۱۳۸۸). «بررسی تحول معماری مسکن روستایی: مطالعه موردی شهرستان آق قلا». فصلنامه علمی-تخصصی مسکن و محیط روستا. شماره ۱۲۷. تهران: انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.

جهانی‌ثانی، محمدمهدی؛ نوعی، فاطمه (۱۳۸۹). نقش جاذبه‌های طبیعی در تحول مسکن روستایی. مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های روستایی. چاپ اول. انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. حاجی ابراهیم زرگر، اکبر (۱۳۹۰). درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. چاپ ششم.

حناچی، پیروز؛ کوششگران، علی‌اکبر (۱۳۹۰). حفاظت و توسعه در بافت‌های با ارزش روستایی. تهران: انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.

دلایل‌پور محمدی، محمدرضا (۱۳۷۹). برنامه‌ریزی مسکن. تهران: انتشارات سمت.

زندیه، مهدی؛ حصاری، پدram (۱۳۹۰). «داوم معماری مسکن روستایی با انگیزه توسعه پایدار روستایی». فصلنامه علمی-پژوهشی مسکن و محیط روستا، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. شماره ۱۳۸.

سرتیپی‌پور، محسن (۱۳۹۰). «پدیدارشناسی مسکن روستایی». فصلنامه علمی-تخصصی مسکن و محیط روستا. شماره ۱۳۳. تهران: انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.

سعیدی، عباس (۱۳۸۱). مبانی جغرافیای روستایی. تهران: انتشارات سمت.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). «فضا و انواع آن، دانشنامه مدیریت شهری

انطباق با محیط طبیعی از بین رفته و مسکنی با طرح و نقشه‌های شهری بروز یافته است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود الگوی مکانی-فضایی مطابق با محیط و فرهنگ مردم این منطقه برای مقابله با ناهمگونی‌ها و ناهنجاری‌های برهم زنده بافت و الگوی روستا ارائه گردد. در این ارتباط پیشنهادهایی به شرح ذیل قابل توجه است:

- شناسایی و پایش تحولات مکانی-فضایی در منطقه مورد مطالعه و ارزیابی وسنجش دامنه نتایج نامطلوب که متوجه بافت روستایی است.

- مشارکت روستاییان در برنامه‌ریزی، طراحی و اجرای الگوهای بومی مسکن روستایی.

- توجه جدی به پیوند با طبیعت در مناطق روستایی به عنوان یکی از ویژگی‌های شاخص جامعه روستایی.

- معماری گونه‌های مسکن پاسخی است به نیازها و ضرورت‌های مردم روستایی هر منطقه، بر همین اساس نباید تأثیر باورها و سنت‌های مردم را در ارتقای سطح کیفی مسکن نادیده گرفت.

- توجه به مسائل فرهنگی در طراحی مسکن باید به طور ویژه مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا توجه نکردن به مسائل فرهنگی باعث تغییر ارزش‌ها و هنجارهای متأثر از آن خواهد شد و با تغییر اولویت‌ها کالبد مسکن روستایی نیز تغییر می‌کند و نظام فضایی مسکن و، به تبع، هویت گذشته مسکن روستایی از بین خواهد رفت.

- اوضاع محیطی و جغرافیایی هر منطقه متضمن حرکت به سوی توسعه پایدار است. بنابراین، در طراحی مسکن روستایی در نظر گرفتن این شرایط ویژه هویت اصلی روستا را حفظ و به سوی پیشرفت رهنمون خواهد شد.

## منابع

- اکرمی، غلامرضا (۱۳۸۹). «رازهای معماری روستایی». فصلنامه علمی-تخصصی مسکن و محیط روستا. شماره ۱۳۱. تهران: انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- امینیان، سعید؛ جانی‌پور، بهروز؛ سهرابی، ثریا (۱۳۹۰). گونه‌شناسی مسکن روستایی استان هرمزگان. چاپ اول. تهران: انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (۱۳۹۰). مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های روستایی: مسکن و بافت (ابعاد فضایی-مکانی سکونتگاه‌های روستایی). چاپ اول.

علی‌الحسابی، مهران؛ کرانی، نعیمه (بهار ۱۳۹۲). «عوامل تأثیرگذار بر تحول مسکن از گذشته تا آینده». فصلنامه تخصصی مسکن و محیط روستا (علمی-پژوهشی) بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. سال سی و دوم. شماره ۱۴۱.

فخر، صدیقه (۱۳۷۱). *عمران روستایی*. وزارت جهاد سازندگی، طرح و اجرا.

غفاری، سیدرامین (۱۳۹۰). *طرح بهسازی روستایی*. تهران: انتشارات دانشگاه پیام‌نور. چاپ سوم.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). *مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی کالبدی سکونتگاه‌های روستایی*. شهرکرد: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد. چاپ دوم.

قنبری، ابوالفضل (۱۳۸۹). «تحلیل بر نابرابری‌های مسکن روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی». فصلنامه علمی- تخصصی مسکن و محیط روستا. شماره ۱۳۶. تهران: انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.

ماهان امین؛ نصیری، احمد (۱۳۸۹). *تحلیلی بر مسکن جدید و قدیم روستایی*. مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های روستایی. چاپ اول. انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.

مطالعات اجمالی بر گونه‌شناسی مسکن روستایی، طراحی و ارائه الگوی مسکن روستایی (۱۳۸۸). بنیاد مسکن انقلاب اسلامی چهار محال و بختیاری.

موحد، خسرو؛ فتاحی، کاوه (بهار ۱۳۹۲). «بررسی نقش اقلیم و محیط در شکل‌دهی فرم سازه مسکن روستایی استان فارس». فصلنامه تخصصی مسکن و محیط روستا (علمی-پژوهشی). بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. سال ۳۲. شماره ۱۴۱.

میر ریاحی، سعید؛ مجیدی، رومینا (۱۳۹۰). «شناخت فرایند شکل‌گیری کالبد روستای سنگان شهرستان تهران». فصلنامه علمی پژوهشی مسکن و محیط روستا. تهران. انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. شماره ۱۳۴.

روستایی تهران». فصلنامه علمی- تخصصی مسکن و محیط روستا. شماره ۱۳۰. تهران: انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۲). «مفاهیم بنیادین در برنامه‌ریزی کالبدی - فضایی». فصلنامه برنامه‌ریزی کالبدی - فضایی. سال اول. شماره سوم. انتشارات دانشگاه پیام‌نور.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۱). «مفاهیم بنیادین در برنامه‌ریزی کالبدی- فضایی». فصلنامه برنامه‌ریزی کالبدی- فضایی. انتشارات دانشگاه پیام‌نور. سال اول. شماره اول.

سعیدی، عباس؛ حسینی حاصل، صدیقه (۱۳۸۸). *ثالوده مکان یابی و استقرار روستاهای جدید*. تهران: انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. چاپ دوم.

سعیدی، عباس؛ حسینی حاصل، صدیقه (۱۳۸۹). *ثالوده مکان یابی و استقرار روستاهای جدید*. تهران: انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. چاپ دوم.

شکویی، حسین (۱۳۸۹). *دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری*. تهران: انتشارات سمت. چاپ سیزدهم.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۶). *فلسفه جغرافیا*. تهران: انتشارات یکتاشناسی.

شمس‌الدینی، علی (۱۳۸۷). «جایگاه مسکن روستایی در تأثیر پذیری تغییرات کالبدی-فضایی روستاها از محیط شهری». فصلنامه علمی- تخصصی مسکن و انقلاب. شماره ۱۲۴. تهران: انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.

طالب، مهدی؛ عنبری، موسی (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی روستایی با ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران*. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

عزیزپور، فرهاد (۱۳۸۹). *تحول روابط شهری- روستایی و بازتاب آن در بافت کالبدی روستاها*. مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های روستایی چاپ اول انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.

Bański, Wesolowska (2010). "Transformations in housing construction in rural areas of Poland's Lublin region – influence on the spatial settlement structure and landscape aesthetics". *Landscape and Urban Planning*. 94. 2. Pp. 116-126.

N. Thrift (2009). *Space: The fundamental stuff of geography*. In: Clifford NJ, Holloway SL, Rice SP, and alentine G (eds) *Key Concepts in Geography*. second edition. London: SAGE. Pp. 85–96.